

هویت بومی در برابر هویت غیربومی؛ پژوهشی کیفی درباره ناسازگاری‌های هویتی در شهر بندرعباس

یاسر رستگار*، سیما هادی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۲۲

چکیده

در جوامع چندفرهنگی، تقابل‌های هویتی و به‌ویژه دوگانگی بومی-غیربومی، منبعی هویت‌بخش ایجاد کرده و چالش‌ها و تعارضاتی به دنبال دارد. هدف از مطالعه حاضر آن است تا ادراک و تفسیر ساکنان بومی شهر بندرعباس از دوگانگی "هویت بومی- هویت غیربومی" را توصیف کرده و بسترها و دلالت‌های آن را آشکار سازد. مطالعه حاضر با روش پژوهش کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای انجام گرفته است. داده‌های میدانی با به‌کارگیری نمونه‌گیری هدفمند-نظری و طی مصاحبه با ۲۳ نفر از ساکنین بومی این شهر که حداقل سه نسل در این شهر زندگی کرده‌اند، به‌دست آمده و در نهایت بر اساس کدگذاری سه مرحله‌ای استراوس و کوربین تحلیل شده است. یافته‌های میدانی حاکی از آن است که درک ساکنان بومی شهر بندرعباس از ساکنان غیربومی، امری ذاتی نیست بلکه مبتنی بر تجربه‌ی زیسته‌ی کنشگران و تعاملات اجتماعی آن‌ها با یکدیگر شکل گرفته است. مشارکت‌کنندگان میدان مطالعه، به‌واسطه‌ی حضور و زندگی در سرزمین اجدادی خود، هویت بومی می‌یابند اما غیربومی را به‌مثابه دیگری معضله‌دار، تفسیر می‌کنند چراکه منافع اقتصادی و همچنین ارزش‌های فرهنگی خود را تا حدی از دست‌رفته تلقی می‌کنند. پیامد این تفسیر، تقویت پیوستگی و انسجام درون گروه و افزایش نوعی قوم‌مداری است که می‌تواند به تخریب سرمایه‌ی اجتماعی منجر شود.

واژگان کلیدی: هویت، هویت قومی، هویت بومی، هویت غیربومی، نظریه زمینه‌ای، بندرعباس.

طرح مسأله

کشور ایران به دلیل موقعیت استراتژیکش همواره در طول تاریخ محل عبور اقوام مختلف و تعامل فرهنگ‌های متفاوت با قومیت‌های متنوع بوده است. قومیت به تعلقات کهنی چون سرزمین اجدادی، تاریخ، افسانه مشترک، زبان، نژاد و فرهنگ اشاره دارد. (2015) Nasseri & Kianpour. و عموماً به میانجی روابطی که با فرهنگ، حافظه و تاریخ جمعی و زبان دارد، تعریف می‌شود (Karner, 2007: 17). این تعلقات، هویتی را در فرد شکل می‌دهد که به واسطه‌ی آن، فرد، خودش را متعلق به جغرافیا و یا گروه فرهنگی خاصی می‌داند. چراکه هویت، پدیده‌ای فرایندی و برساخته نمادهای هویت‌سازی است که در دسترس قرار دارند (Heydari & Shahroudi, 2014: 48). هویت و هویت‌یابی بر هدایت انتخاب‌های ارزشی، فرهنگی و کل زندگی افراد در جهتی خاص اثر دارد، همچنین بر حیات فردی و اجتماعی انسان و بر آگاهی حاصل از تجربه‌ی شباهت و تمایز استوار است (Ahmadi, 2019). فرد با هویت، خود را می‌شناسد و با تمایزی که از دیگران پیدا می‌کند، خود را به دیگران نیز می‌شناساند. در صورتی که این درک از خود با دیگران مشترک باشد، از آن به‌عنوان هویت جمعی تعبیر می‌شود. به عبارتی اگر عده‌ی زیادی از یک جمع معین اهداف، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های برآمده از هویت موردپذیرششان را منعکس سازند، هویت جمعی ساخته می‌شود (Bagheri et al, 2013). هویت قومی نیز همچون دیگر ابعاد هویت (به‌مثابه امری اجتماعی) در محیطی اجتماعی در ارتباط خود با دیگری ساخت می‌یابد؛ "دیگری" در معنای قومی متفاوت از "خود" می‌باشد (Rezaee & Mohammadi, 2015). به تعبیر دیگر هویت قومی مجموعه‌ای از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی است که به‌موجب آن گروهی را از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (Breton, 2001: 25).

از سوی دیگر طبقه‌بندی‌ها و شئون مختلف موجود در هر جامعه موجب شکل‌گیری تقسیم‌بندی‌ها و تمایزات هویتی پیرامون مفاهیمی چون طبقه، زبان، قومیت، دین، ملیت و... می‌شود و از آنجایی که جامعه ما پیچیده و پر از تنوع است، درک تفاوت‌ها، احترام به حقوق و جایگاه اقوام هویتی و تلاش برای حفظ وحدت و همبستگی ملی، ضروری است (Nazari, 2013). هر قومیتی دارای رفتار، کردار، اخلاق و عقایدی است که درون آن قوم رواج دارد و از این لحاظ با اقوام دیگر متفاوت و حتی متعارض است. در سال‌های اخیر شرایط عینی برای احساس عدالت توزیعی در عرصه‌های ثروت، قدرت، منزلت و دانش در میان برخی از اقوام در حد پایینی بوده و موجب احساس تبعیض و محرومیت نسبی در میان آنان شده است و سبب گردیده تا نگرانی و دغدغه پیرامون بحث تنوع قومی و فرهنگی

هویت بومی در برابر هویت غیربومی ...؛ رستگار و هادی ۳۵

و پیامدهای ناشی از آن ایجاد شود (Nasseri & Kianpour, 2015). مضافاً اینکه اعضای یک گروه از طریق هویت جمعی، تفاوت‌ها و اشتراکات فرهنگی‌شان، مرزبندی‌هایی را میان خود و دیگری ترسیم می‌کنند و مفاهیمی را برای تمایز میان خود و دیگری پدید می‌آورند. یکی از موارد تمایز میان خود و دیگری، دوگانه‌ی "بومی" در برابر "غیربومی" است که در زیست روزمره‌ی ساکنین شهرهای مهاجرپذیر معنا شده و در زبان روزمره بکار گرفته می‌شود. اگرچه نقش هویت بومی در بقا و استمرار فرهنگ بومی انکارناپذیر است، ولی اگر سویه‌های دیگر آن واکاوی نشود این دوگانه‌ها (بومی- غیربومی) باعث به وجود آمدن نوعی خاص‌گرایی فرهنگی می‌گردد که خود می‌تواند مانع توسعه اجتماعی و فرهنگی شده و سرمایه‌ی اجتماعی بین فردی را تخریب سازد.

شهر بندرعباس به‌عنوان مرکز استان هرمزگان از مرفولوژی شهری و ترکیب فرهنگی منحصربه‌فردی برخوردار است که موجب تفاوت این شهر از سایر شهرهای استان هرمزگان و حتی کشور شده است. ظرفیت‌های اقتصادی موجود در بندرعباس، وجود بزرگ‌ترین بندر و گمرکات تخلیه و بارگیری کشور، ترانزیت بیش از ۷۰ درصد از واردات کشور و بهره‌گیری از تمامی ناوگان حمل‌ونقل ریلی، هوایی، جاده‌ای و دریایی و سرمایه‌گذاری‌های به انجام رسیده در آن، رشد جمعیتی و گسترش شهر را به دنبال داشته است، بطوری‌که شهر بندرعباس نسبت به دهه ۶۰ نزدیک به ۴ برابر رشد فیزیکی سطحی را تجربه نموده و مهاجرت زیاد به آنجا، موجب افزایش جمعیت شهری شده است (Akhlaghipur, 2010). از سوی دیگر مهاجرت شهروندان از مناطق مختلف کشور به این شهر و همزیستی فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف جمعیتی، تصویری از غیربومیان در میان ساکنین بومی این شهر ایجاد کرده و محققین نیز به‌عنوان عضوی از میدان مورد مطالعه، در زندگی روزمره‌ی خود تجربه‌های بی‌شماری را دیده و شنیده‌اند و به نظر می‌رسد وجود نوعی تعارض هویتی میان ساکنان بومی و مهاجران غیربومی، مفهوم هویت را به امری پروبلماتیک بدل ساخته است؛ این تعارض هویتی می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی بین فردی را تخریب نماید آن‌هم در شهری به‌شدت مهاجرپذیر که تنوع و تکثر فرهنگی، امری تاریخی است و به‌شدت نیازمند تفاهم و درک هویتی مشترک است. همچنین تعارضات هویتی می‌تواند، احساس تعلق شهروندان غیربومی، مشارکت اجتماعی آنان و درنهایت تعاملات اجتماعی را دچار اشکال نماید لذا هر نوع ناسازگاری هویتی و افزایش فاصله‌ی اجتماعی میان شهروندان، پیامدهای اجتماعی نامطلوبی به همراه خواهد داشت. در حقیقت شهروندان بومی این شهر در زیست جهان خود، غیربومی را به‌گونه‌ای خاص درک و تفسیر می‌کنند و این نوع نگاه به دیگری و فهم و

درک آن در تجربه زیسته، بحثی است که محققین در پی کشف و شناسایی آن هستند. با توجه به حساسیت موضوع و عمیق بودن تجربه‌ها، احساسات و ادراکات افراد نسبت به این همزیستی، روش کیفی به‌عنوان روش مناسب جهت اجرای این کار انتخاب شده است؛ از این رو پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که بومیان شهر بندرعباس به‌عنوان مشارکت‌کنندگان میدان مورد مطالعه، تعارض هویت بومی در برابر غیربومی را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟

پیشینه تحقیق

مروری بر تحقیقات انجام شده در حوزه قومیت و قوم‌گرایی نشان می‌دهد که محورهای مختلفی از این موضوع مورد توجه قرار گرفته است از جمله عدلی‌پور و همکاران (2017) ضعف در بازنمایی فرهنگی و بازنمایی نامناسب ترک‌ها در برنامه‌های ملی را واکاوی کرده‌اند؛ رشیدی و ازکیا (2015) تأثیر توسعه بر هویت جمعی کردها را مورد بررسی قرار داده و به این امر اشاره داشتند که با وجود توسعه نامتوازن در عین حال فرصت‌های نوینی برای هویت قومی-کردی مهیا شده و جایگاه کردها در منطقه ارتقا یافته است. رضایی و محمدی (2015) استفاده از کانال‌های ماهواره‌ای کردی و هویت قومی کردهای ایران و در حاشیه‌بودگی کردهای ایران را مطالعه کرده‌اند. ناصری و کیانپور (2015) مضمون تفکرات قالبی نسبت به قومیت را با روش کیفی بررسی کرده و بیان داشته‌اند که هر دو گرایش متضاد هویتی به‌صورت هم‌زمان وجود دارد. خلیلی اردکانی و همکاران (2013) به افزایش مصرف رسانه‌های جهانی و تقویت هویت قومی ناشی از آن اشاره داشته‌اند. اخلاقی‌پور (2010) نیز با استفاده از طیف بوگاردوس، فاصله اجتماعی بین شهروندان بومی بندرعباس با غیربومی‌ها در مبان ۱۴۶ بومی بندرعباس سنجیده است. علاوه بر آن معیدفر و شهلای‌بر (2007) با روش کیفی-ترکیبی، مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران، چالش‌های هویت قومی-ملی، دلالت‌های مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و ساختاریابی مجدد هویت قومی را توضیح می‌دهند.

در مجموع از بین مطالعات انجام گرفته در ایران تنها چند پژوهش به شیوه‌ی کیفی و از منظر افراد و گروه‌های قومی این پدیده را واکاوی نموده است و عمده‌ی پژوهش‌ها با روش کمی بوده و جنبه‌های اثرگذار بر قومیت همچون رسانه و جهانی‌شدن یا اثرات قومیت بر مؤلفه‌های دیگری چون توسعه توجه شده است. رویکرد پژوهش حاضر تفسیری-

برساختی بوده و لذا تلاش دارد درک و تفسیر بومیان بندرعباس از خودشان و سایر شهروندان ساکن در شهر را شناسایی و توصیف نماید.

چارچوب مفهومی

مقاله‌ی حاضر سه رویکرد عمده را برای ایجاد حساسیت نظری مرور کرده است که می‌تواند تصویری روشن‌تر از پدیده‌ی مورد مطالعه به دست دهد. رویکرد اول نظریه‌ی هویت‌یابی تاجفل و ترنر (1979) است که هویت درون‌گروهی در برابر هویت برون‌گروه را مورد واکاوی قرار داده است. رویکرد دوم ذیل مفهوم شناخته‌شده‌ی قوم‌مداری قرار می‌گیرد به‌ویژه دیدگاه‌های جدید رادن (2003) مطمح نظر بوده است. درنهایت رویکرد سوم که ناسازگاری‌های هویتی میان گروه‌های اجتماعی مختلف را از منظر تعارض منافع اقتصادی و اجتماعی و ذیل نظریه‌ی استعمار داخلی عنوان می‌کند.

نظریه‌ی هویت‌یابی تاجفل و ترنر

دوگانه‌ی خود – دیگری یکی از دوگانه‌های جدی در رویکردهای فلسفی و به‌ویژه فلسفه اخلاق است. به تعبیر لویناس، "فهمیدن دیگری" نقطه‌ی پارادوکسیکال اخلاق مدرن است؛ بدون آن اخلاق ممکن نیست و تحقق آن نیز مستلزم به رسمیت نشناختن آن با "من" و فی‌نفسه بودنش است (Fathzadeh, 2011: 148). در کنار پیشینه‌ی گسترده‌ی ادبیات فلسفی درباره‌ی این دوگانه، ادبیات علوم اجتماعی نیز به‌طور ویژه و در سطحی دیگر به آن پرداخته است. تاجفل و ترنر (1979) یکی از شناخته‌شده‌ترین مباحث نظری درباره‌ی این دو گونه‌ی هویتی را طرح کرده‌اند. آن‌ها از فرایندی سه مرحله‌ای نام می‌بردند که طی آن، افراد را به‌عنوان "ما" (درون گروه یا گروه خودی) و "آن‌ها" (برون گروه یا گروه غیرخودی)، ارزیابی می‌کنیم؛ فرایندی که در یک توالی خاصی روی می‌دهد.

اولین مرحله مقوله‌بندی اجتماعی^۱ است که ما ابژه‌ها و اشیاء را دسته‌بندی کرده تا آن‌ها را برای خود معنادار کنیم. به طرز بسیار مشابهی این کار را در مورد افراد نیز به کار می‌بریم و به‌واسطه‌ی آن محیط اجتماعی را می‌شناسیم. ما از مقولاتی مثل سیاه، سفید، مسلمان، مسیحی و... استفاده می‌کنیم. دومین مرحله هویت‌یابی اجتماعی^۲ است. بدین ترتیب ما هویت یک گروه را انتخاب می‌کنیم که خودمان را به دلیل تعلق آن‌ها، مقوله‌بندی

1. social categorization

2. social identification

کردیم. برای مثال اگر شما خودت را به عنوان یک دانشجو مقوله‌بندی کردید سپس به شیوه‌ای که دانشجویان عمل می‌کنند رفتار می‌کنید چراکه هویت دانشجویی به آن اعمال و شیوه‌ها پیوند می‌خورد. سومین مرحله مقایسه اجتماعی^۱ است. وقتی که ما خودمان را به عنوان یک گروه مقوله‌بندی کرده و سپس به آن گروه احساس تعلق کرده و هویت‌یابی صورت گرفت، در مرحله نهایی گروه خود را با دیگر گروه‌ها مقایسه می‌کنیم. اگر عزت‌نفس ما در گروه حفظ شود تمایل به این هویت‌یابی تقویت خواهد شد اما در صورتی که برداشتی تبعیض‌آمیز داشته باشیم آنگاه شرایط متفاوت خواهد بود و قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها و مرز میان گروه خودی و غیرخودی پروبلماتیک خواهد شد. ترنر و تاجفل تأکید دارند که این رقابت یا ستیز میان گروه‌ها تنها به دلیل رقابت بر سر منابعی چون شغل و درآمد نیست بلکه در نتیجه‌ی رقابت بر سر هویت‌هاست (Tajfel & Turner, 1979).

قوم‌مداری و تعارضات هویتی

از منظر قوم‌مداری نیز می‌توان به مواجهه‌ی هویت بومی در برابر غیربومی پرداخت. یک ویژگی اساسی که در مفهوم قوم‌مداری وجود دارد و توسط سامنر (1906) مطرح شد، نوعی درک از برتری درون‌گروهی است که افراد برون‌گروه را در درجه دوم و پایین‌تر محسوب می‌کند و با تعصب و نگاه منفی به گروه‌های غیرخودی همراه است (Bizumic & Duckitt, 2008). قوم‌مداری با ویژگی‌هایی چون ترجیح دادن^۲ علایق و منافع درون‌گروه، برتر بودن گروه خودی به غیرخودی، اصیل بودن و خالص‌تر بودن درون‌گروه در برابر برون‌گروه، میزانی از انسجام گروهی و هواداری از قوم خود در برابر دیگر اقوام تعریف شده است (Bizumic et al, 2009: 873).

در سالیان اخیر نیز نظریه‌ی رادن^۳ در خصوص انواع قوم‌مداری نیز حائز اهمیت است. او به چهار نوع قوم‌مداری اشاره دارد: اولین نوع مطرح شده قوم‌مداری کلاسیک^۴ نام دارد که در واقع همان مفهوم سامنر است که به ارزیابی مطلوب از گروه خودی و ارزیابی منفی از گروه‌های غیرخودی مربوط می‌شود و به تعصب و تبعیض منجر می‌شود. شناخته‌شده‌ترین

1. social comparison
2. preference
3. Raden
4. classic ethnocentrism

تعریف از قوم‌مداری همین نگاه سامنری است که در کتب علوم اجتماعی بسیار فراگیر می‌باشد.

دومین نوع قوم‌مداری تعصب درون‌گروهی عام^۱ نام دارد که در اینجا ممکن است آن جنبه‌های اعتقادی برتری طلبانه کمتر باشد اما مسأله‌ی دادن امتیازات به افراد گروه خودی در برابر غیرخودی مطرح می‌شود و یک سطح از قوم‌مداری کلاسیک پایین‌تر است و تعصب و تبعیض کمتری نسبت به شکل کلاسیک آن ایجاد می‌کند.

سومین نوع قوم‌مداری، تعصب درون‌گروهی ساده^۲، می‌باشد که شکل ملایمی از تعصب درون‌گروهی است؛ در اینجا لزوماً افراد ارزیابی نامطلوبی از برون‌گروه ندارند و موضع خصمانه و مبتنی بر حذف دیگری، اتخاذ نمی‌کنند.

چهارمین شکل قوم‌مداری مطرح‌شده توسط رادن، صرفاً یک ترجیح درون‌گروهی^۳ ساده است که پایین‌ترین سطح قوم‌مداری محسوب می‌شود و نه تنها ارزیابی منفی وجود ندارد بلکه حتی واجد امتیازدهی خاص به خودی در برابر غیرخودی نیز نمی‌باشد اما در نهایت، ترجیح فرد در موقعیت‌های برابر این است که گروه خودی را انتخاب می‌کند. مثلاً در همسایگی بودن با یک فرد از قوم خود را به فردی از قوم دیگر ترجیح می‌دهد اگرچه هیچ تعصب توأم با تبعیضی نسبت به غیرخودی ندارد (Raden, 2003: 804-805).

رویکرد استعمار داخلی

یکی دیگر از نظریاتی که به مسأله‌ی منازعات قومی و گروهی توجه داشته، نظریه گوبوگلو^۴ می‌باشد. این نظریه خشونت‌ها و درگیری‌های قومی را در دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی-اجتماعی بررسی می‌کند. غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی توسط اعضای یک گروه قومی مسلط و تفاوت‌های اجتماعی، قومی و طبقاتی، قوی‌ترین انگیزه برای شکل‌گیری تنش‌ها و درگیری‌های قومی است (Salehi Amiri, 2009: 127-128). همچنین نظریه استعمار داخلی هکتر^۵، بیان می‌کند که در روند توسعه، افزایش تعاملات اجتماعی میان گروه‌های قومی می‌تواند منجر به تعارضات قومی شود، چراکه نابرابری و توزیع ناهمگون منابع میان مناطق مختلف یک واحد ملی که گوناگونی قومی و فرهنگی

1. general ingroup bias
2. simple ingroup bias
3. mere ingroup preference
4. Guboglo
5. Michael Hechter

دارد، ایجاد تعارض می‌کند. نوسازی و توسعه در کشورهای دارای تنوع قومی، منجر به تقسیم‌کار فرهنگی می‌شود. نقش‌های اجتماعی و اشتغال افراد با توجه به مشخصه‌ی فرهنگی افراد خواهد بود و این تقسیم‌کار الگویی از تبعیض ساختاری است و ساختار اجتماعی «مسلط-زیرسلطه» را ایجاد می‌کند که در نهایت منجر به واکنش دشمنانه مناطق محروم نسبت به مناطق بهره‌مند خواهد بود. بیشتر شدن نابرابری‌های اقتصادی میان گروه‌ها، احتمال همبستگی و ستیزهای قومی را به‌عنوان عکس‌العملی در مقابل این استعمار افزایش می‌دهد (Salehi Amiri, 2009: 129-130).

روش تحقیق

پژوهش حاضر، کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیری انجام گرفته است؛ وجه تفسیری به این معناست که این رویکرد در جستجوی فهم تجربه زیسته افراد از نقطه‌نظر خودشان است. این رویکرد شامل مطالعه معانی ذهنی است که افراد به تجربه‌هایشان می‌دهند؛ و لذا تحقیق کیفی درصدد فهم تجربه‌های معنادار ذهنی و معنای کنش‌های اجتماعی در بافت و زمینه-ای است که افراد در آن زندگی می‌کنند (Hennink et al, 2015: 43). ذیل پارادایم تفسیری، استراتژی به کارگرفته برای اجرا و انجام پژوهش، نظریه‌ی زمینه‌ای بوده است. نظریه زمینه‌ای، آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به‌صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود. نظریه‌ای که بدین طریق از داده‌ها استخراج شده باشد، بیشتر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه‌ای که با کنار هم گذاشتن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه یا صرفاً حدس و گمان (Strauss & Corbin, 1990: 34)؛ بنابراین نظریه حاصل از نظریه زمینه‌ای در خدمت توضیح تغییرات است، چنان‌که تجربه‌ها و شرایط زندگی افراد مورد مطالعه نیز مشمول تغییرات هستند. به همین لحاظ، اساساً نظریه زمینه‌ای در خدمت پاسخ به سؤالات فرایندی درباره تغییر تجربه در طول زمان و ارائه مراحل و انواع آن تغییر است (Iman, 2015: 75).

مبتنی بر همین رویکرد، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی درک و تفسیر بومیان بندرعباس از دوگانه‌های هویت بومی در برابر هویت غیربومی و زمینه‌های اثرگذار بر این درک، می‌باشد و به‌صورت درون‌نگرانه و امیک، تجارب کنشگران (بومیان بندرعباس) را از

هویت بومی در برابر هویت غیربومی ...؛ رستگار و هادی ۴۱

زیست و زندگی در کنار غیربومیان حاضر در آن شهر مورد تحلیل و تفسیر قرار داده است تا بساخت ذهنی کنشگران درگیر را واکاوی نماید.

بدین منظور جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته است. انتخاب افراد برای مصاحبه، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند-نظری بوده است و تلاش شد تا مصاحبه‌شوندگان از حیث ویژگی‌های زمینه‌ای متفاوت از یکدیگر باشند، و درنهایت با ۲۳ نفر از بومیان بندرعباس مصاحبه و گفتگو صورت گرفت. ملاک اصلی انتخاب شهروندان بومی این بوده است که کسانی به‌عنوان یک فرد بومی انتخاب شده‌اند که حداقل سه نسل یا بیشتر در شهر بندرعباس متولد شده و زندگی کرده‌اند، به‌عبارت‌دیگر نه‌تنها خانواده‌ی خود که خانواده پدری و پدربزرگ ایشان نیز ساکن بندرعباس بوده و از مهاجران نباشند. مصاحبه‌شوندگان ۱۶ مرد و ۷ زن بودند که در محدوده سنی ۲۳ تا ۵۸ ساله قرار داشته‌اند. فرایند نمونه‌گیری تا اشباع نظری و طراحی مدل پارادایمی ادامه یافت و تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از تکنیک کدگذاری سه مرحله‌ای استراوس و کوربین (۱۳۹۰) انجام گرفته است.

جدول ۱: اطلاعات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

Table 1: Background information of the interviewees

ردیف	نام	سن	وضعیت تأهل	میزان تحصیلات	شغل
1	زینب	25	متاهل	دانشجوی فوق لیسانس	بیکار
2	عبدالله	50	متاهل	ابتدایی	راننده تاکسی
3	حسین	34	متاهل	پنجم دبستان	کار یدی
4	محمد	30	مجرد	لیسانس	فروشنده لباس
5	شهریار	36	متاهل	دیپلم	خیاط
6	احمد	40	متاهل	لیسانس	کارمند مخابرات/کفش فروش
7	معصومه	51	متاهل	فوق دیپلم	معلم
8	اکبر	58	متاهل	دیپلم	عمده‌فروش
9	عباس	29	مجرد	لیسانس	سوپرمارکت
10	نوید	23	مجرد	دانشجو لیسانس	بیکار
11	محسن	46	متاهل	دیپلم	بازنشسته نیروی دریایی/عینک‌ساز
12	مجید	24	مجرد	دیپلم	فروشنده قلیان
13	حسن	27	مجرد	دیپلم	کار در داروخانه
14	حوریه	47	متاهل	سیکل	خانه‌دار
15	اسما	36	متاهل	لیسانس	کارمند بیمه

ردیف	نام	سن	وضعیت تأهل	میزان تحصیلات	شغل
16	عرفان	26	متاهل	دیپلم	فروشنده کالا پزشکی
17	رضا	45	متاهل	دانشجوی فوق لیسانس	فروشنده لوازم بدکی اتومبیل
18	امین	37	متاهل	فوق لیسانس	کارمند اسکله
19	کریم	30	متاهل	فوق لیسانس	کارمند شرکت نفت
20	علی	51	متاهل	سوم راهنمایی	دست فروش
21	فاطمه	35	متاهل	دیپلم	خانه دار
22	عایشه	38	متاهل	لیسانس	خانه دار
23	شریفه	24	مجرد	لیسانس	بیکار

یافته‌های تحقیق

پس از پیاده‌سازی و کدگذاری اولیه‌ی داده‌ها تلاش شد تا مبتنی بر مدل پارادایمی استراوس و کوربین، تجزیه و تحلیل صورت گیرد تا ضمن مقوله‌سازی، ارتباط بین مقولات و در نهایت فضای کلی میدان روشن گردد.

شرایط زمینه‌ای: سرزمین اجدادی، مکانی هویت‌بخش

شرایط زمینه‌ای، شرایط تأثیرگذار و از پیش موجودی است که بستری را برای تحقق پدیده‌ی مورد نظر فراهم می‌نماید. مقوله‌ی عمده‌ی انتزاع شده برای شرایط زمینه‌ای، «سرزمین اجدادی، مکانی هویت‌بخش» است؛ این مقوله نشان می‌دهد افراد بومی به شهر خود علاقه داشته و نسبت به شرایط موجود در آن حساس هستند. زبان، فرهنگ خاص منطقه و اقلیم ویژه بندرعباس باعث شده احساس مشترکی میان بومیان وجود داشته باشد و خود را از افراد شهرهای دیگر جدا بدانند. این مقوله از کدهایی چون ریشه‌های بندری، عدم تعلق به شهرهای دیگر و افتخار به بندری بودن احصا شده است.

جدول ۲: مفاهیم و مقولات مرتبط با شرایط زمینه‌ای

Table 2: Concepts and categories related to contextual conditions

مقوله عمده	مقولات	مفاهیم اولیه
سرزمین اجدادی، مکانی هویت بخش	داشتن ریشه‌های بندری	متولد بندر بودن داشتن آبا و اجداد بندری بودن فامیل و خانواده در بندر از گذشته دور در بندر بودن داشتن زبان و فرهنگ بندری زندگی کردن در بندر
	عدم تعلق به شهرهای دیگر	از محدوده مرزی دیگر نبودن عدم علاقه به شهر دیگر/علاقه به بندر متفاوت بودن اقلیم آن از دیگر شهرها
	افتخار به بندری بودن	بندر را خانه/وطن خود دانستن وابستگی به خاک بندر بندری دانستن خود حتی با نبودن در بندر

از جمله دلایلی که مصاحبه‌شوندگان خود را بومی بندرعباس به حساب می‌آوردند، داشتن اجداد و پیشینه‌ی خانوادگی، وجود فامیل‌های بندری و حتی متولد شدن خودشان در بندر بود. همچنین زمینه‌های تاریخی و فرهنگی چون زبان، غذا، پوشش و آیین نیز باعث می‌شود که فرد هویت خودش را در این شهر بیابد که به موجب آن به بندرعباس احساس تعلق کند. این زمینه‌ها میان بومیان مشترک بوده، و درعین حال آنان را از افراد دیگر شهرها متمایز می‌کند.

زینب ۲۵ ساله در مورد دلایل بومی دانستن خودش می‌گوید:

از همون اول جد و آبادمون مال همین جا بودن، مامان و بابام همین جایی بودن، همین جا بزرگ شدم، غیر از این پدراشون و مادراشون اهل همین جا بودن و همین جا بزرگ شدن دیگه.

شهریار ۲۶ ساله در خصوص دلایل احساس تعلقش به بندر می‌گوید:

خب همین که اینجا بدنیا اومدیم، زبونمون، فرهنگمون، هنوز یه بخش از فرهنگمون هست که هنوز تغییر پیدا نکرده، از طرز لباس پوشیدنمون بگیر تا مهمون نوازیمون.

از سوی دیگر مرز جغرافیایی به گونه‌ای مرزهای فرهنگی و هویتی را نیز شکل می‌دهد و تفاوت اقلیمی و محیطی بندرعباس با شهرهای دیگر موجب علاقه و احساس تعلق بومی‌ها به شهر خود و در مقابل، عدم علاقه‌شان به سکونت در شهرهای دیگر شده است. عباس ۲۹ ساله در خصوص احساس تعلقش به بندرعباس، به تمایز هوای بندرعباس از شهرهای دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید:

همین که هوا گرمه باعث میشه حس کنیم بندری هستیم، هوا خنکه احساس می‌کنیم شهرستانی هستیم / خنده / آگه هوا همیشه خنک باشه دیگه اینجا بندر نیست، ولی بندر رو همه به هواش میشناسن.

مصاحبه‌شوندگان بندر را همچون خانه و وطنی برای خود می‌دانستند؛ به آنجا افتخار کرده، علاقه داشته و نسبت به سرنوشت و شرایط آنجا حساس بوده و در نتیجه نسبت به وضعیت آن احساس مسئولیت می‌کنند. احساس تعلق و پیوندهای ایجاد شده میان سوژه‌های میدان مطالعه با سرزمین خود در این گزاره‌ها آشکار می‌شود؛ عرفان ۲۶ ساله در مورد بندری دانستن خود و اهمیت شهر خود می‌گوید:

بندری باید زاده اینجا باشه، این مثل خونه آدمه، یکی بیاد خونه شما اذیت کنه و خرابش کنه برای شما مهمه دیگه، اینجا آگه یکی بیاد نصف بندر رو چنگ بزنه و ببره من دلم میسوزه.

عبدالله ۵۰ ساله احساس تعلقش به بندرعباس را با وابستگی‌اش به خاک بندر عنوان می‌کند و می‌گوید:

من آگه آذربایجان هم بمیرم حتماً میام اینجا، بمن بگن اونجا بهت مهربونی کردن باید اونجا دفن بشی، نمی‌ذارم، این شهر تشنه به منه، چون من اینجا به شهرم احترام گذاشتم، این زمین هم تشنه منه.

شرایط علی: معضله‌ی دیگری

شرایط علی تأثیر مستقیم و بی‌واسطه‌ای بر نگاه شهروندان بومی به ساکنین غیربومی دارد و عمدتاً حاصل تجربه‌ی مستقیم و زیسته‌ی مشارکت‌کنندگان است. فرد با قرار گرفتن در این شرایط، فاصله‌ای میان خود و غیرخود احساس می‌کند که به موجب آن، غیربومی را به عنوان «دیگری» فهم می‌کند و او را به واسطه‌ی مشکلات و چالش‌هایی که برایش ایجاد کرده درک می‌کند. این معضلات در قالب دو مقوله کشف شده است. انحصارطلبی و خاص‌گرایی

هویت بومی در برابر هویت غیربومی ...؛ رستگار و هادی ۴۵

غیربومیان، اولین مقوله‌ای است که ساکنان بومی شهر بندرعباس به غیربومی‌ها نسبت داده‌اند. معضله‌ی دوم نیز مربوط به تغییرات و چالش‌هایی است که به طور عمومی در سطح جامعه ایجاد شده و آن را به حضور غیربومیان مرتبط دانسته‌اند.

جدول ۳: مفاهیم و مقولات مرتبط با شرایط علی

Table 3: Concepts and categories related to causal conditions

مقوله عمده	مقولات	کدهای اولیه	مفاهیم	
معضله‌ی دیگری	انحصارطلبی و خاص‌گرایی غیربومیان	نبود فرصت کاری برای بومی	حضور پررنگ شهرستانی‌ها در کارهای یدی زیاد بودن شهرستانی‌ها در ادارات و مراکز کاری اخراج بومی از ادارات اجازه کار ندادن به بومی بیکاری افراد تحصیل کرده	
		گرفتن توان کاری و فرصت تجربه از بومی	بی‌توجهی به توان نیروی بومی ندادن سمت‌های مهم به بندری گرفتن فرصت شغلی از بومی بندر، فرصت کسب تجربه برای شهرستانی‌ها در بندر به جایی رسیدن ماندگار نبودن شهرستانی/در رفت‌وآمد بودن آوردن فامیل توسط شهرستانی	
	چالش‌های اجتماعی فرهنگی ناشی از حضور مهاجران	افزایش جرائم	رواج تخلفات توسط شهرستانی زمینه‌سازی برای تخلف بومی تخریب ساحل و محیط زیست	
		تغییرات فرهنگی	کمرنگ شدن پوشش و زیان بندری تفاوت ارتباطات و دیدگاه‌ها	
	ناکارآمدی دیگری	نداشتن شناخت از شهر دغدغه نداشتن نسبت به آینده بندرعباس	نداشتن شناخت از شهر	خرج شدن بودجه در شهرهای دیگر خرج نکردن درآمد شخصی خود در بندر تأمین منافع مالی و بازگشت به شهر خود ماندگار نبودن
			نداشتن شناخت غیربومی از شهر و مردم	عدم شناخت غیربومی از شهر و مردم زمان‌بر بودن شناخت

از نظر مصاحبه شونده‌گان مهاجرت غیربومی‌ها به بندرعباس عمدتاً برای شغل و کسب درآمد بوده است، بخشی از آن‌ها وارد ادارات شده و بخشی دیگر در بازار مشغول بکار شده‌اند؛ بنابراین نه تنها افراد تحصیل کرده بومی دریافتن کار دچار مشکل شده بلکه بومیانی که به دنبال کارهای آزاد و حتی یدی هستند نیز با مشکل روبرو شده‌اند. ورود غیربومی‌ها به صورت گروهی در یک شغل موجب حذف بومی‌شده بطوری که برخی مشاغل به صورت انحصاری در دست یک قومیت خاص قرار گرفته و شهروندان بومی امکان رقابت با غیربومی را در آن کار ندارد.

محسن ۴۶ ساله در مورد گرفته شدن فرصت‌های شغلی توسط غیربومی‌ها می‌گوید:
کارایی بود که می‌شد از کارگرای بومی استفاده بکنن، ...ولی وقتی به پیمانکار با ۴۰ تا کارگر از شهرکرد میاد اینجا خب دیگه فرصتی برای استفاده از کارگر بومی نیست.

مجید ۲۴ ساله، مغازه دار و در بازار مشغول به کار است. او به اخراج شدن دو برادرش از کار در پالایشگاه اشاره می‌کند و می‌گوید:

الان کلاً شغلها (منظور مشاغل دولتی است) شهرستانین، بومی نیستن،
الان داداشای خودم داخل پالایشگاه بودن اخراج کردن و از فامیلای خودشون آوردن، همه بومی‌ها رو اخراج کردن و غیربومی آوردن.

زینب ۲۵ ساله این دوگانه‌سازی را نه تنها در میان کارگران و کارکنان رده پایین که به سطوح بالاتر نیز تعمیم می‌دهد:

شهردارمون بندری نیست، یا استاندارمون، یا مابقی مسئولین، خب طرف فک و فامیل داره تو اون شهر! می‌بینن اونجا کار نیست واسطه میشن برای طرف، خب میان اینجا سرکار!

از نظر مصاحبه‌شونده‌گان این دوگانه‌سازی تنها به در اختیار گرفتن مشاغل محدود نشده بلکه به کل شهر تعمیم داده می‌شود و نه تنها مشکلات اقتصادی که حتی معضلات و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز ذیل حضور غیربومیان، تفسیر و ادراک کرده است. شهریار ۳۶ ساله تخلفات ایجادشده در بندر را عمدتاً از غیربومی‌ها می‌داند و می‌گوید:
توشون آدمای بد بوده بعضی جنایتها، دزدی یا چیز دیگه...، موردهایی بوده که تاکسیها، زنها رو بردن، نمیدونم طلا دزدین، اکثراً شهرستانی بودن و

هویت بومی در برابر هویت غیربومی ...؛ رستگار و هادی ۴۷

در جای دیگری می‌گوید: شما آمار آگه بگیرید می‌بینید کلاه‌بردار و این جور چیزها تو بندریا کمتره!

همچنین مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند افراد از شهرهای مختلف به بندرعباس مهاجرت کرده‌اند و دارای پیشینه‌ی فرهنگی متفاوتی از بومیان بندر هستند و در جریان زندگی و تعامل این گروه‌های مختلف در کنار هم، چالش‌ها و تغییرات فرهنگی به دنبال آن ایجاد خواهد شد.

زینب ۲۵ ساله در خصوص حضور شهرستانی‌ها و تأثیراتی که بر فرهنگ بندر گذاشته‌اند، می‌گوید:

می‌رم لب دریا و می‌بینم هفتاد هشتاد درصدشون شهرستانین که توی این آبا دارن دست و پا می‌زنن خانوماشون راحت میرن تو آب، فرهنگ ما بندریا اجازه نمی‌ده که پاچه‌مون رو اینقدر بزنیم بالا و بریم تو آب جلوی این همه مرد، ولی شهرستانی‌ها نه! خب این چیزها رو فرهنگ ما تأثیر گذاشته و بعضی از بندریها هم یاد گرفتن!

کریم ۳۰ ساله در صحبت‌هایش به کمرنگ شدن زبان بومی در مقایسه با دیگر زبان‌های محلی اشاره دارد و می‌گوید:

شما یه گرد رو نگاه کنید، یه ترک رو نگاه کنید، یه بچه که بدنیا میاد میان روز اول زبان محلی خودشون رو باهانش صحبت میکنن ولی اینجا الان اینجوری نیست، الان داره عرق بندری بودن و تعصب بندری بودن از بین میره.

از سوی دیگر حضور و عملکرد مسئولین غیربومی برای بومی‌ها رضایت‌بخش نبوده و نتوانسته خلأ و فاصله‌ی بومی و غیربومی را پر کند و منجر به فاصله‌ی بیشتر میان این دو گروه شده است. شناخت مسئول بومی از مردم و از منطقه، دسترسی مردم به آن‌ها و رضایت مردم از عملکرد بومی، پتانسیل‌هایی را به افراد بومی داده است که مردم او را قابل اعتماد و دغدغه‌مندتر می‌یابند، درحالی‌که مسئول غیربومی نقطه‌ی مقابل مسئول بومی فهم می‌شود. در نتیجه مردم بیشتر تمایل به انتخاب نماینده و مسئول بومی دارند و حتی نسبت به مسئولین غیربومی که بدون انتخابات و نظر مردم گماشته می‌شوند حساس شده و از بومی نبودن مسئول ابراز ناراضایتی کرده‌اند.

عباس ۲۹ ساله بر امکان دیدن و پیدا کردن نماینده بومی در مقایسه با استاندار غیربومی اشاره دارد و می‌گوید:

الان من بخوام برم استاندار رو پیدا کنم چه جوری پیداش کنم؟ روزای سه‌شنبه باید بری، ده تا سه‌شنبه میکنن و بازم پیداشون نمیشه، ولی نماینده مجلس رو [که بومی هست] راحت‌تر میشه پیدا کرد، طبق شناختی که ازشون داریم و رابطه‌ای که داریم پیداشون می‌کنیم.

مجید ۲۴ ساله در مورد دلیلش برای انتخاب کاندیدای بومی می‌گوید:
بومی بیشتر به شهر میرسه، حداقل میدونه این شهر خودش، آبادی باشه برای خانواده خودش هست، واسه فامیل خودش هست، ولی شهرستانی فکر نکنم زیاد اینجوری باشه.

محسن ۴۶ ساله به ناآشنایی مسئول غیربومی از موقعیت خاص بندر و عملکرد ضعیف شهرستانی می‌گوید:

تمام استاندارای ما که میان میخوان بعد مالی استان رو بیرن بالا، همه می‌رسن به [اسکله] شهید رجایی و اسکله فلان، پالایشگاه فلان، ترانزیت فلان. این همه بنادر دیگه! ...چرا تو سیریک^۱ چهارتا اسکله درست صیادی نیست؟! چرا به یارد تعمیراتی صیادی نیست!؟

عایشه ۳۸ ساله در مورد چرایی انتخاب نماینده بومی، به خرج شدن بودجه بندرعباس در شهرهای دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید:

این شهر با این وضعیتی که داره اونم با این بودجه و درآمد و اینا، زشت نیست اینجوری باشه؟! بودجه سرازیر میشه برای تهران و جاهای دیگه... تو فکر می‌کنی خرج استان هرمزگان میشه؟! شاید ۱۵ درصدش خرج اینجا میشه.

شریفه ۲۴ ساله در مورد دلیلش برای عدم انتخاب مسئول غیربومی می‌گوید:
[کسی که] به فکر موندن جایی نباشه براش کار نمیکنه، اصلاً پولشو اینجا خرج نمیکنه، داره پول در میاره، میره تو شهر خودش به چیزی میسازه.

۱. سیریک: یکی از شهرهای استان هرمزگان

تفسیر بومیان از غیربومیان: دوگانه‌ی سادگی - عافیت‌طلبی / سخت‌کوشی - جاه‌طلبی

دوگانه‌ی «سادگی-عافیت‌طلبی / سخت‌کوشی-جاه‌طلبی»، خصلت‌ها و ویژگی‌های افراد بومی و غیربومی را در مقابل هم بیان می‌کند. این مقوله، هسته‌ی مدل پارادایمی را تشکیل می‌دهد و بازگو می‌کند که مصاحبه‌شوندگان شناخت و درک متفاوتی از دو مفهوم بومی و غیربومی دارند، خصوصیات بومی‌ها و غیربومی‌ها را کاملاً متفاوت و حتی در نقطه مقابل هم فهم می‌کنند. بومی در مقابل شهرستانی، فردی ساده و راحت‌طلب است، حال آنکه غیربومی‌ها، افرادی سخت‌کوش اما فرصت‌طلب تفسیر شده‌اند. در واقع مصاحبه‌شوندگان، "غیربومی" را به تنهایی درک و توصیف نمی‌کنند بلکه آن را در جدالی هویتی میان بومی و غیربومی، برساخت کرده‌اند.

جدول ۴: ادراک سوژه‌های میدان مطالعه از خصلت‌های بومی - غیربومی

Table 4: Perception of study field subjects of indigenous – non-indigenous characteristics

خصلت‌های شهروندان بومی			خصلت‌های شهروندان غیربومی		
مقوله عمده	مقولات اولیه	مفاهیم	مقوله عمده	مقولات اولیه	مفاهیم
سادگی / عافیت‌طلبی	سازگار / بی‌توقع بودن	- خونگرمی - معترض و اهل دعوا نبودن - سادگی و بی‌زبانی - قانع بودن - خود را پایین‌تر دیدن - بخشنده بودن	سخت‌کوشی / جاه‌طلبی	مادی‌گرا / فرصت‌طلب	توجه به منافع مادی خوش‌حساب نبودن فقط به دنبال ثروت‌اندوزی سرزبان‌دار دنبال پیشرفت
	راحت‌طلبی	کاری و سخت‌کوش نبودن بی‌اهمیتی به مادیات الکی خوش بودن اهل ریسک نبودن		سخت‌کوشی	داشتن مهارت و استعداد کاری کاری‌تر بودن دقیق و مقرراتی بودن ریسک‌پذیر باهوش و زرنگ بودن

خصلت‌های بومیان

شهریار ۳۶ ساله در خصوص اینکه بومی‌ها هوای یکدیگر را ندارند بیان می‌دارد:

یکی از مشکلات ما بندریا آینه که ما بندریا هوای همو نداریم، خیلی پشت هم نیستیم. بومی‌ها افرادی ساده، یکرو، و خونگرم بوده، به افراد دیگر به آسانی اعتماد می‌کنند، به طوری که مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل حضور زیاد شهرستانی‌ها در بندرعباس را حاصل برخورد و رفتار گرم بومی‌ها می‌دانستند. بومی‌ها افرادی سازگار بوده و نسبت به آنچه دارند قانع هستند، به دنبال کسب بیشتر نیستند، حتی اگر از نظر مالی خیلی توانمند نباشند از فرد ضعیف‌تر در کنار خودشان حمایت می‌کنند.

محمد ۳۰ ساله در مورد برخورد و خصلت بندری‌ها می‌گوید:

مردم استان هرمزگان خونگرم، خیلی فرق دارن با خوزستانیا با ترکها، با کردها، با خیلی جاهای دیگه، بخاطر همین اینجا مثل تهران که پایتخته همه قاطی هستن، آگه اخلاقشون اینجوری نبود هیچ آدم دیگه نمی‌توانست وسطشون بمونه، یعنی اخلاقشون خوبه.

حسن ۲۷ ساله درباره قانع بودن بومی‌ها به یک درآمد می‌گوید:

شاید شهرستانیا به قول معروف سختی میدن به خودشون هرچی در توانشونه میدارن تا بعداً در آسایش باشن، ولی بندریا اینجوری نیستن الان کارمند بانک باشی صبح تا ظهر، بعداز ظهر عمراً برن رانندگی کنن، میگن همینی که هست خدایا شکر، بسه، حالا یا از تنبلیشونه از هرچی هست فرقی نمیکنه.

رضا ۴۵ ساله در خصوص تخصص بهتر شهرستانی‌ها می‌گوید:

یکی از دلایلی که شهرستانی‌ها اینجا زیادترن آینه که از لحاظ فکری بالاترن، غلبه کردن به فکر بندریا، من نظرم آینه، افراد متخصص صد در صد اینجا کمتره.

با توجه به صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان، بومی‌ها برای زندگی کردن خود را متحمل سختی و فشار زیادی نمی‌کنند و به دنبال این هستند که به آسانی و آسودگی گذران زندگی کنند و در نتیجه در کار به خود سخت نمی‌گیرند.

احمد ۴۰ ساله بومی‌ها را دارای روحیه‌ی سخت‌کوشی نمی‌داند و می‌گوید:

هویت بومی در برابر هویت غیربومی ...؛ رستگار و هادی ۵۱

نگاه کن این مغازه کنارم یزدیه تا ساعت ۱۱ میشینه ولی من نه، من ساعت ۱۰ میرم، یعنی اون روحیه کار کردن، تلاش کردن و اینکه از نظر اقتصادی بنیئات رو تقویت کنی رو نداریم، روحیه/م اینجوریه.

خصلت‌های غیربومیان

گروهی از بومیان حضور غیربومیان و در دست گرفتن کارها توسط آنان را به خاطر مهارت کاری بالای غیربومیان می‌دانستند. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که غیربومی‌ها به اقتضای شرایط کاری موجود در شهرهای بزرگ، افرادی ماهر و متخصص شده که در کارشان منظم، دقیق و قانونمند بوده و ریسک‌پذیر هستند.

حسن ۲۷ ساله در مورد ویژگی‌های شهرستانی‌ها به قوه ریسکشان اشاره می‌کند و می‌گوید:

اونا کلاً قدرت ریسکشون بالاتره، میگن کار بزنیم گرفت گرفت، نگرفت شهرستان خونه داریم جا داریم می‌ریم دوباره.

امین ۳۷ ساله که شهرستانی‌ها را زرنگ‌تر از بندری‌ها می‌داند در این باره می‌گوید:
اینو قبول دارم که اونها یه مقدار در بعضی از موارد از ما زرنگ‌ترن، چابک‌ترن، اما اونم بخاطر محیطیه که توش بزرگ شدن، مثلاً در یک محیطی مثل تهران شما بخوای زنده بمونی باید کار بکنی، تلاش بکنی، ...یه شهر پرتکاپو هست.

در نگاه بومی‌ها، سود و منفعت مالی برای غیربومی‌ها اهمیت زیادی دارد و هر کاری را برای افزایش سودشان انجام می‌دهند، در مقابل چون بومی‌ها در مسائل مالی سخت نمی‌گیرند لذا فرصت‌طلب نیستند.

اکبر ۵۸ ساله در مورد سرزبان دار بودن شهرستانی‌ها برای جلب مشتری می‌گوید:
دوز و کلکشون زیاده، ... یعنی واقعاً رند بازی دارن، قربون صدقه‌ات میرن ولی جای دیگه اون ضربه رو بهت می‌زنن، یعنی چون دنبال سودن اینجوری کار می‌کنند ولی ما نه با مشتری صاف و صادقیم.

پیامدها: تسلیم و انفعال کنشگران و باز تولید دوگانه‌ی هویتی

در طول زمان، جمعیت زیادی از شهرهای دیگر به بندرعباس آمده و در آنجا زندگی می‌کنند اما این حضور و تعاملاتی که بومی‌ها در طول زمان با غیربومی‌ها داشته‌اند، تأثیراتی را بر روند زندگی‌شان گذاشته و موجب انفعال شهروندان بومی‌شده است. در این رویارویی، بومی‌ها نتوانسته‌اند کنترلی بر شرایط داشته باشند و آن را تغییر دهند و تنها سعی بر سازگاری با جنبه‌های مختلف داشته‌اند. همچنین نبود ساخت اداری مناسب موجب شده که کنترل این روابط سخت‌تر شده و تبعات بیشتری برای بومی‌ها به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر به واسطه‌ی زیستن طولانی در چنین شرایط و عدم تغییر خاص در زندگی آن‌ها، درنهایت مجبور به پذیرفتن شرایط موجود شده‌اند.

جدول ۵: مفاهیم و مقولات مرتبط با پیامدها

Table 5: Concepts and categories related to consequences

مقوله عمده	مقولات اولیه	مفاهیم
تسلیم و انفعال کنشگران و باز تولید دوگانه‌ی هویتی	انفعال بومی‌ها در برابر غیربومی‌ها	حساسیت نداشتن به مشکلات و کمبودها مطالبه‌گر نبودن تلاش و رقابت نکردن
	ساختار اداری غیرحمایتگر	کسب منافع با رانت و پارتی توسط شهرستانی هماهنگ نبودن مسئولین نظارت نکردن مسئولین بر استخدام بومی عدم توجه به اعتراضات مردم بی‌توجهی به شرایط موجود در بندر برنامه‌ریزی نکردن/خروج بودجه

در سطح اول مشارکت‌کنندگان به انفعال و عدم کنشگری از سوی خود بومیان و مردمان محلی اشاره کرده‌اند. در حقیقت ایشان اظهار داشته‌اند که از جمله دلایل شرایط موجود در بندرعباس، انفعال و فقدان کنشگری بومیان بوده است. رویارویی خود بومی‌ها و عدم حمایت از یکدیگر موجب کنار گذاشته شدن بومی توسط خود بومی‌ها شده است. روحیه اعتراضی و مطالبه‌گری در میان بومیان بندرعباس کم بوده و در مقابل شرایط پیش‌آمده و عدم رسیدگی مسئولین سکوت کرده و یا اعتراضاتشان، کوتاه و محدود بوده و تا رسیدن به خواسته و مطالباتشان آن را دنبال نمی‌کنند. همچنین به کارهای اداری یا مشاغل سنتی

هویت بومی در برابر هویت غیربومی ...؛ رستگار و هادی ۵۳

مربوط به دریادل بسته و به دنبال تخصص و انجام کارهای مختلف برای کسب تجربه نبوده‌اند.

نوید ۲۳ ساله در مورد مقصر بودن بومی‌ها برای شرایط موجود می‌گوید:

«مشکلات شهری مشکلات خود مردم، ربطی به شهرستانی نداره، ما هیچ‌وقت نمیریم به شهرداری اعتراض کنیم چرا سنگفرش رو درست نکرده، مردمن که مشکلات رو می‌پذیرن که مشکلات زیاد میشه، هیچ‌کس نمیداد اعتراض کنه، کسی به خودش زحمت نمی‌ده»

شهریار ۳۶ ساله در خصوص معضل بیکاری بومی‌ها، از یک جنبه خود بومیان را مقصر می‌شمارد و می‌گوید:

«خود بندریا مقصرن بخاطری که نرفتن دنبال کار و دل بستن به دریا، الان که دریا بسته شده، الان باز یه خورده بهتر شده ولی نسل قبل همه دنبال دریا بودن، همین باعث شد دنبال درس و دانشگاه نرن»

اما در سطحی دیگر، ساختار اداری و سیاست‌گذار را نشانه رفته‌اند. از جمله پر نشدن خلأ حضور بومی در کارهای اداری به خاطر رعایت نشدن سهمیه پذیرش، نبود نظارت بر روند انجام امور و هماهنگ نبودن مسئولین و عدم توجهشان به شرایط موجود و به اعتراضات مردم، برنامه‌ریزی نکردن برای آبادانی بندر و خروج بودجه از استان، به مشکلاتی فراتر از اراده و کنشگری افراد اشاره داشته است؛ مسائلی که شهروندان بومی توانایی حل آن به تنهایی را ندارند. وجود این ضعف در اداره و برنامه‌ریزی باعث شده است که شرایط موجود را نتوان تغییر داد و در نتیجه بومیان مجبور به پذیرش شرایط موجود شوند.

عایشه ۳۸ ساله و خانه‌دار است و در خصوص تغییر شرایط عنوان می‌کند:

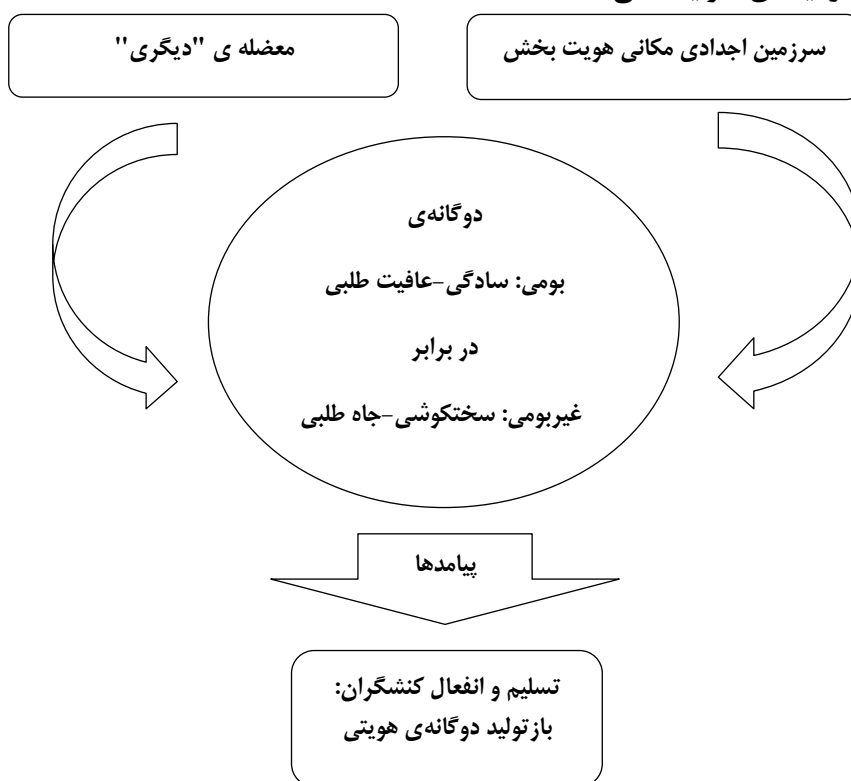
«ما با غیربومی‌ها و شهرستانی‌ها مشکل نداریم. مشکل اینکه مردم کارهای نیستن که بخوان چیزی رو تغییر بدن... مسئولان باید به فکر کاروبار برای جوون های این استان باشن».

اسما که کارمند یک شرکت بیمه است هم به بی‌تأثیر بودن اعتراضات و پیگیری مردم اشاره می‌کند:

«خیلی چیزها ربطی به بومی و غیربومی نداره... باید از بالا بخوان که این شهر توسعه پیدا کنه... شما این شهر رو نگاه کنید با این همه درآمد پر از زیاده است... ده بار خودم زنگ زدم به شهرداری که این نخاله‌های تو کوچه‌ی شرکت ما رو بیاد جمع کنه ولی فایده‌ای نداره...»

درنهایت مدل پارادایمی، ارتباط بین مفاهیم و مقولات را با یکدیگر نشان می‌دهد.

شرایط زمینه‌ای شرایط علی



شکل ۱: مدل پارادایمی انتزاع شده از داده‌های میدانی

Figure 1: Paradigm model abstracted from the field data

شرایط زمینه‌ای به بسترها و شرایطی از پیش موجود اشاره دارد و عناصر و دلالت‌هایی را پیش روی مشارکت‌کنندگان قرار می‌دهد که می‌توانند مبتنی بر آن، به هویت بومی خود دست یابند. در اینجا شرایط زمینه‌ای به سرزمین اجدادی اشاره دارد که حاوی عناصری چون زبان، موسیقی، لباس، غذا و هر آن چیزی است که تعلق خاطر مکانی ایجاد می‌کند.

هویت بومی در برابر هویت غیربومی ...؛ رستگار و هادی ۵۵

در حقیقت این شرایط وجهی ایجابی در هویت‌سازی داشته و بخشی از معنای بومی بودن را برمی‌سازند. شرایط علی در اینجا به بستری اشاره دارد که مستقیماً و بلاواسطه، افراد را به‌نوعی از هویت‌سازی سوق می‌دهد.

اگر شرایط زمینه‌ای به وجوه ایجابی اشاره داشت، شرایط علی به وجوه سلبی هویت‌سازی اشاره دارد. در حقیقت هویت بومی به میانجی تقابل و رویارویی با ساکنان غیربومی که در اینجا "دیگری" درک می‌شود، تقویت و بازتولید می‌گردد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که غیربومی به‌مثابه دیگری، معضلات و چالش‌هایی را برای ساکنان بومی ایجاد کرده و لذا ادراک ساکنان بومی از غیربومی، به‌مانند یک دیگری معضله‌دار درک می‌شود. اینجاست که ناسازگاری‌های هویتی ظاهرشده و فرد بومی، چالش‌ها و مشکلات خود را به حضور غیربومیان در قلمرو خود نسبت می‌دهد. در اینجا درست و یا غلط بودن این گزاره حائز اهمیت نیست، بلکه مهم تفسیری است که مشارکت‌کنندگان بومی میدان مطالعه از مقوله غیربومی دارند؛ به‌عبارت‌دیگر این برساخت هویتی، برساختی پروبلماتیک از مسأله هویت است که در درازمدت می‌توان پیامدهای جبران‌ناپذیری بر تعاملات اجتماعی و زیست‌شهروندان ایجاد کند.

پدیده‌ی محوری در مدل مذکور، در پاسخ به این پرسش محوری شکل‌گرفته است که مشارکت‌کنندگان میدان مطالعه، به میانجی چه دلالت‌هایی، این معناکوی را انجام می‌دهند. داده‌های میدانی حاکی از آن است که بومیان مشارکت‌کننده ناظر بر خصلت‌هایی که به خود و دیگری نسبت می‌دهند، این تقابل را می‌سازند. ایشان خود را افرادی ساده‌دل و عافیت‌طلب معنا می‌کنند و آن را در برابر غیربومیان جاه‌طلب و سخت‌کوش قرار می‌دهند. این دوگانه‌سازی اما صرفاً در سطح روان‌شناختی و خلق‌وخویی نیست بلکه در بستر تجربه‌ی زیسته‌ی خود از همزیستی با ساکنان غیربومی و مهاجر در شهر بندرعباس، مطرح می‌کنند. در کنار مباحث مطرح‌شده، بومی و غیربومی در رقابت با یکدیگر برای کسب منافع بیشترند و شکل توسعه‌ی شهر و همچنین عملکرد نهادهای اقتصادی به تعارض منافع میان این دو گروه هویتی دامن زده است. بومی‌ها احساس می‌کنند فرصت‌های موجود در بندرعباس بخصوص در عرصه‌ی اقتصادی از آن‌ها سلب شده و برای خود جایگاهی فروتر از غیربومیان در برخورداری از فرصت‌ها می‌بینند.

پیامد این ادراک و تفسیر، تقویت پیوستگی و انسجام درون گروه در برابر برون گروه و افزایش قوم‌مداری است که می‌تواند در درازمدت به تخریب سرمایه‌ی اجتماعی منجر شده و تعاملات اجتماعی را دچار اشکالات جدی نماید. از آنجایی که بومی‌ها نتوانسته‌اند شرایط

ایجادشده از حضور غیربومی‌ها را تغییر دهند تسلیم شرایط شده‌اند و موضع انفعالی در برابر آن اتخاذ کرده‌اند و در نتیجه دوگانه‌ی هویتی بومی-غیربومی بازتولید شده و ادامه یافته است.

بحث و نتیجه‌گیری

اکنون و با مرور مقولات کشف‌شده می‌توان ادعا کرد که درک ساکنان بومی شهر بندرعباس از ساکنان غیربومی، امری ذاتی و از پیش تعیین‌شده نیست بلکه مبتنی بر تجربه‌ی زیسته‌ی کنشگران و تعاملات اجتماعی آن‌ها با یکدیگر است. این امر اجتماعی بودنِ بر ساخت هویت را آشکار می‌سازد. در حقیقت این برساخت هویتی به میانجی مقایسه‌ی میان بومی و غیربومی شکل می‌گیرد. مبتنی بر رهیافت شناخته‌شده‌ی ریچارد جنکینز همه هویت‌های انسانی، هویت‌های اجتماعی‌اند و تعیین هویت خودمان یا دیگران دارای معنا است و معنا همیشه مستلزم کنش متقابل است. به نظر او هویت اجتماعی را می‌توان با به‌کار گرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی - بیرونی درک کرد (Jenkins, 2018).

از همین روست که بخشی از هویت بومی به‌واسطه‌ی سرزمین اجدادی درک می‌شود که مکانی هویت‌بخش برای بومی‌هاست، به آنجا احساس تعلق می‌کنند و آن‌ها را از افراد شهرهای دیگر جدا می‌کند و بخش دیگری از این هویت، حاصل تجربه‌ای است که از زیستن در کنار غیربومی‌ها به دست آورده‌اند. به‌بیان‌دیگر چالش‌ها و مشکلاتی که با افراد غیربومی داشته‌اند موجب شده تا فاصله‌ای میان خود و غیربومی‌ها احساس کنند. با توجه به نظریه تاجفل و ترنر دوگانه‌ی خود-دیگری برای تعریف هویت در ذهن افراد بومی دیده می‌شود. افراد بومی خود را به‌عنوان یک «ما» می‌شناسند که در برابر غیربومی‌ها قرار می‌گیرد و به‌واسطه‌ی نمادهای سرزمینی که برای خودشان معنادار است میان بومی و غیربومی مرزی را ترسیم می‌کنند. در هویت‌یابی اجتماعی براساس اینکه بومی هستند به سنت‌ها و باورهای خاصی پایبند بوده و رفتارهایی متناسب با آن نشان می‌دهند؛ تغییر در زبان، پوشش، باورها و... که توسط غیربومی‌ها ایجاد شده است این دو گروه را مقابل هم قرار داده است. نتایج این تحقیق با پژوهش اخلاقی‌پور (۱۳۸۹) همراستاست و فاصله اجتماعی میان ساکنان بومی و غیربومی را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر با توجه به نظریه رادن در شهر بندرعباس شکلی از قوم‌مداری کلاسیک و درون‌گروهی عام نیز دیده می‌شود. در شکل کلاسیک، بومی‌ها ارزیابی منفی از غیربومی‌ها دارند ولی با این تفاوت که نتوانسته‌اند منابع اقتصادی را در اختیار خود بگیرند لذا تعصب

درون گروهی عام آن‌ها نیز تاحدی حاصل محرومیتشان از منابع بوده است. این وضعیت ذیل رویکرد استعمار داخلی هکتر قابل تحلیل است. در حقیقت نابرابری و ناهمگونی توزیع منابع در شهرهای مختلف کشور منجر به شکلی از تبعیض ساختاری شده است؛ افراد غیربومی که شهرهایشان سریع‌تر در روند توسعه قرار گرفته است وارد بندرعباس شده‌اند و منابع را در اختیار گرفته‌اند و غیربومی‌ها که در جریان تحولات نبوده‌اند و با ساختار زندگی سنتی مبتنی بر دریا پیش رفته‌اند از این منابع محروم مانده‌اند و بومی‌ها نسبت به حضور غیربومی‌ها حساس شده‌اند. در واقع دوگانه‌ی شکل گرفته حاصل شرایط اجتماعی موجود در شهر بندرعباس و محرومیت مردم بومی از دسترسی به منابع است. نظریه خاص‌گرایی فرهنگی در فرایند جهانی‌شدن نیز می‌تواند در خصوص مطالعه‌ی تقابل‌های هویتی راهگشا باشد. ذات باوری ویژگی خاص‌گرایی فرهنگی به شمار می‌رود و تساهل و تسامح و همزیستی را بر نمی‌تابد (Golmohammadi, 2002: 156).

سخن پایانی این است که در شهرهای مهاجرپذیر و چندفرهنگی چون بندرعباس که از دیرباز رفت‌وآمد مهاجران امری مرسوم بوده و بخشی لاینفک از توسعه‌ی شهری هم در وجوه اقتصادی و هم در وجوه فرهنگی و اجتماعی بوده است، تأکید بر چنین دوگانه‌هایی به فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شده و درنهایت به نفع هیچ‌یک از شهروندان نیست. به نظر می‌رسد عبور از دوگانه‌هایی چون بومی-غیربومی و تأکید بر مفهوم شهروندی، می‌تواند به حذف هر چه بیشتر این تقابل‌ها بینجامد و زمینه را برای هم‌افزایی، همدلی و مشارکت بیشتر شهروندان فراهم سازد.

تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از زحمات آقای خالد کریم‌زاده که در معرفی مشارکت‌کنندگان یاریگر ما بودند قدردانی می‌گردد.

References

- Adlipour, M. Mirmohammad Tabar, A. Afshar .S. Sohrabi, M. (2017). *Turkish-Speaking Satellite Channels and Ethnic Identity of the Youth of Tabriz City*. Journal of Social Sciences. 13 (1):49-71. [in Persian]
- Ahmadi, Y. (2019). *Identity Styles and Value Orientations (Case Study of the Youth of Sanandaj City)*. Journal of Social Sciences. 25 (83): 99-130. [in Persian]
- Akhlaghipur, M. (2010). *A Sociological Study of Social Gap between Native Citizen and Nonnative Minorities in Bandar Abbas*. Journal of Cultural Research Letter of Hormozgan. 1 (5):132-145. [in Persian]
- Bagheri, M. Shahriari, M. Multafat, H. (2013). *Social factors affecting the formation of ethnic identity among young people*. Assembly of the Congress of Pioneers of Progress. 4: 202-216. [in Persian]
- Bizumic, B. & Duckitt, J. (2008). *My Group Is Not Worthy of Me: Narcissism and – Ethnocentrism. Inquiry*. 3:437-453.
- Bizumic, B. Duckitt, J. Popadic, D. Dru, V. Krauss, S. (2009). *A cross-cultural investigation into a reconceptualization of ethnocentrism. Inquiry*. 6: 871-899.
- Breton, R. (2001). *Political Ethnography*. Translated into Persian by Nasser Fakuhi. Tehran: Ney Publishing.
- Fathzadeh, H. (2011). *Opposition of Ego-Other: Aporia of Ethics*. The Quarterly Journal of Philosophical Investigations. 5 (9): 147-159. [in Persian]
- Golmohammadi, A. (2002). *Globalization, Culture and Identity*. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Hennink, M. Hutter, I. Bailey, A. (2015). *Qualitative Research Methods*. Translated into Persian by Alireza Saghi and Mehdi Ebrahimi. Tehran: Radio and Television Research and Evaluation Center.
- Heydari, H. Shahroudi, T. (2014). *Virtual Social Networks and Ethnicity; Opportunities and Threats Ahead*. Quarterly Journal of Communication Research. 20 (4): 37-64. [in Persian]
- Iman, M. (2015). *Philosophy of Research Methods in Humanities*. Third Edition, Qom: Research Institute and University. [in Persian]
- Jenkins, R. (2018). *Social identity*. Translated into Persian by Akbar Ahmadi, Tehran: Scientific Civilization.
- Karner, C. (2007). *Ethnicity and Every Day Life*, New York: Routledge.
- Khalili Ardakani, M. Moeidfard, S. Saei, A. (2013). *Globalization and its impact on ethnic and national identity; a study of the Kurds of Sanandaj*. Social Issues of Iran. 4 (1): 91-121. [in Persian]

- Kianpour, M. Nasserli .L. (2015). *The Matic Analysis of Stereotypical Thoughts Regarding Ethnicity (The Case of Students at the University of Isfahan)*. Journal of Applied Sociology. 2:59-76. [in Persian]
- Moeidfar, S. Shahliber, A. (2007). *Globalization and the Formation of Local Cultural Policy: Iranian Baluch Media Consumption and the Challenges of Ethnic and National Identity*. Journal of the Faculty of Literature and Humanities (Kharazmi University). (Special Issue of Social Sciences3). 15 (56-57): 183-208. [in Persian]
- Nazari, A. (2013). *Media, Stereotypes and the Relationship Btween Identity Groups (Case Study Tehran University)*. Culture-Communication Studies. 13 (20): 7-33. [in Persian]
- Raden, D. (2003). *Ingroup Bias, Classic ethnocentrism and Non-Ethnocentrism among American Whites*. *Inquiry*. 4: 803- 828.
- Rashidi, M. Azkia, M. (2015). *The Assessment of the Effects of Development on the Kurds' Collective Identity (A Sociological Study of the Impacts of Development on Ethnic identity in Mahabad city)*. Journal of Iranian Social Development Studies 8 (2): 21-34. [in Persian]
- Rezaee, M. Mohammadi, N. (2015). *Modern Media and Construction of Identity: Kurdish Satellite Channels and Ethnic Identity of Iranian Kurds*. Quarterly Journal of Social Development. 9 (3): 79-114. [in Persian]
- Salehi Amiri, R. (2009). *Ethnic conflict management in Iran*. Second Edition. Tehran: Expediency Discernment Strategic Research Center. [in Persian]
- Strauss, A. Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: techniques and Procedures for Grounded Theory*. Translated into Persian by Abraham Afshar. Tehran: Ney Publishing Institute.
- Sumner, W. G. (1906). *Folkways*. Boston: Ginn.
- Tajfel, H. Turner, J. C. (1979). *An Integrative Theory of Intergroup Conflict*. In W. G. Austin, & S. Worchel (Eds.). *Inquiry*. 33-47.